



The lived experience of female faculty members in establishing a balance between career and family roles in the days of Corona

Bahareh Nasiri 

Women's Studies Research Group, Social Studies Research Institute, Humanities and Cultural Studies Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: b.nasiri@ihcs.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 3 September 2022

Received in revised form: 23 October 2022

Accepted: 21 November 2022

Published online: 21 March 2023

Keywords:

Telecommuting,
Women Academic Staff,
Home Quarantine,
Job and Family Roles.

ABSTRACT

Due to the fact that corona virus, as a threat to people's lives, has also severely disrupted social life and has turned into a "super-problem" and even a "super-crisis". In this situation, women usually find more expectations from themselves, because it seems that women want to play their part in curbing this crisis well. The time that women spend these days to improve the quality of life at home according to its necessity, maybe it is a kind of non-stop management that should be analyzed, determined and determined in different dimensions and sides, priorities and deadlines, compared to normal times. to accomplish Discussing the balance between the career and family roles of women who are members of the academic staff of universities and research institutes in the days of Corona and studying their lived experiences can play an effective role in the recognition and development of women's employment literature. This phenomenological research has examined the lived experiences of 30 female faculty members of participating universities and research institutes with the aim of discovering and describing how to balance career and family roles in the days of Corona. In order to collect data, the research used a semi-structured interview with a purposeful sampling method. The analysis process was carried out in three macro levels. In the third level of analysis, the result of the equalization of intellectual horizons: 5 horizons related to the creation of remote work, 5 horizons related to the emergence of a new cultural issue, 9 horizons related to home quarantine, 7 horizons related to the experience of living in the Corona crisis, 6 horizons related to Establishing a balance between work and family life, there were 3 horizons related to balance in the field of education and research and 3 horizons related to strategies and solutions. In the second level, coherent descriptions of the narratives were formed by establishing a balance between professional and family life, influencing fields, positive and negative effects and consequences, strategies and solutions, and at the highest abstract level or analysis, the structural integration of coherent descriptions Done.

Finally, women who are members of the academic staff of universities and research institutes; They proposed strategies and solutions to improve the balance between work and family life in three areas: 1- In the field of research, the implementation of a remote work plan in research jobs can be useful for researchers, especially women, 2- In the field of management, if it is required to do it in It is not the work environment, managers can make remote work voluntary and at the discretion of the researcher, and 3- in the family domain, emphasizing the caring ethics of women in family life, as well as the strong role that women can have in persuading family members to live in a new way in crises.

Cite this article: Nasiri, B. (2023). The lived experience of female faculty members in establishing a balance between career and family roles in the days of Corona. *Women in Development and Politics*, 21(1), 227-253. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.348125.1008254>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.348125.1008254>



زن در توسعه و سیاست

تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا

بهاره نصیری

گروه پژوهشی مطالعات زنان، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه: b.nasiri@ihcs.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: دورکاری، زنان هیئت علمی، قرنطینه خانگی، نقش‌های شغلی و خانوادگی.</p>	<p>برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در ایام کرونا و مطالعه تجارب زیسته آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در شناخت و توسعه ادبیات اشتغال زنان ایفا کند. این پژوهش پدیدارشناسانه، تجارب زیسته ۳۰ نفر از زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مشارکت‌کننده را با هدف کشف و توصیف چگونگی برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا را بررسی می‌کند. گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختارمند و به روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته است. فرایند تحلیل در سه سطح کلان انجام شده است. وجود قرنطینه خانگی ناشی از ویروس کرونا و شیوع آن، سبب دورکاری، ظهور مسئله فرهنگی جدید، ظهور فرهنگ قرنطینه، کسب تجربه زندگی در بحران کرونا و برقراری توازن بین نقش‌های شغلی و خانوادگی در حوزه آموزش و پژوهش در کشور شده و این امر به نوبه خود به بازتعریف روابط و مناسبات اجتماعی، مسئله اخلاق، تعهدات اجتماعی، الگوهای روابط انسانی، اجتماعی، شناخت و درک اخلاق مراقبتی در زندگی از سوی زنان انجامیده است. درنهایت با توجه به نتایج، راهکارهایی در حوزه‌های، پژوهش، مدیریت و خانواده ارائه می‌شود.</p>

استناد: نصیری، بهاره (۱۴۰۲). تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۱)، ۲۲۷-۲۵۳.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.348125.1008254>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

با توجه به اینکه ویروس کرونا به عنوان تهدیدکننده زیست آدمیان، زندگی اجتماعی را هم به شدت مختل کرد و به یک «بر مسئله»^۱ و بلکه «ابرحران»^۲ اجتماعی تبدیل شد (Hosseinzadeh, 2020: 4)، جامعه را به تعلیق درآورد و این امر می توانست به چالش های بزرگ تری هم منتهی شود. به عبارتی، شیوع غیرمنتظره و غافلگیرکننده این ویروس کرونا در کشور به تبع اشاعه جهانی آن، پیامدهای خانوادگی، فرهنگی، اجتماع، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی متعددی را در سطوح عملیاتی و ساختاری موجب شد که مدیریت این بحران را به یک چالش جدی بدل کرد. ایده قرنطینه شهر یا حتی قرنطینه خانگی در عمل مبتنی بر مدل اصلی کنترل این ویروس و مهار اپیدمی آن از طریق کاهش مناسبات و تماس های بین انسان ها است (Rahmani, 2020: 56). در این شرایط، زنان معمولاً انتظارات بیشتری از خود پیدا می کنند؛ زیرا به نظر می رسد به عنوان یکی از ارکان اصلی خانه باید بتوانند شرایط مساعدتری را فراهم سازند. به عبارتی آنچه اهمیت دارد این است که زنان به اقتضای شرایط می خواهند سهم خود در مهار این بحران را هم به خوبی انجام دهند. مدتی را که زنان، این روزها برای بالابردن کیفیت زندگی در خانه با توجه به ضرورت آن صرف می کنند، شاید به نوعی مدیریت بی وقفه ای است که باید در ابعاد و اضلاع متفاوت، اولویت ها و ضرب الاجل ها، در مقایسه با مواقع عادی تحلیل، تعیین و انجام می شد.

بنابراین در این مقاله به شناسایی و تحلیل مؤلفه های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان متأهل عضو هیئت علمی دانشگاه ها و پژوهشگاه ها در مدیریت و تعادل میان نقش های خانگی و شغلی آنان در بحران می پردازیم. به منظور رسیدن به عمق چنین احساسات و تجربیاتی باید با بررسی اذهان درگیر در این تجارب، با تکیه بر ذهن یک ناظر بی طرف، آن ها را قضاوت کنیم. منطقی ترین راه برای رسیدن به کنه معنای این واقعیت، بررسی تجارب و آگاهی های کنشگران درگیر است که به نوعی افق هایی از فهم موضوع به ما عرضه می کند.

برقراری تعادل میان نقش های شغلی و زندگی شخصی زنان شاغل، ناشی از خستگی کار روزانه، مسئولیت تربیت و رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان و نبود حمایت همسر به عنوان موانع مهم مطرح هستند (Titus, 2011: 123). حمایت نکردن خانواده از زنان و تشویق نشدن آن ها از سوی خانواده، از مشخصه های فرهنگی است که در آن، زنان از رسیدن به آرزوهای بزرگ تر منع می شوند (Mehdizadeh et al., 2019: 45).

^۱ super problem

^۲ super crisis

مطابق آمار و اطلاعات ارائه شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸، جمعیت اعضای هیئت علمی زن تمام وقت در دانشگاه‌های کشور ۲۴ هزار و ۳۳۴ نفر اعلام شده است (News Agency of the Islamic Republic of Iran, 2021).

با توجه به اینکه همه افراد جامعه درگیر بحران کرونا شدند، پرداختن به روایت انتخاب و راهبردهای زنان برای مهار کرونا در خانه و خارج از خانه حائز اهمیت است. حساسیت نحوه حضور و مشارکت زنان، طی روزهای کرونایی بیش از پیش دیده می‌شود. در این میان زنان دانشگاهی و علمی برحسب شغل خود، با آگاهی یافتن و آگاهی دادن، به ضرورت نقش متفاوت، خلاقانه و پررنگ خود، از تسلیم منفعلانه در برابر آثار خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی این بحران و بی‌مسئولیتی دور می‌شوند و فعالانه برای تبدیل به سوژگی و تغییر تأثیرهای آن تلاش می‌کنند؛ به طوری که هرچه بیشتر شاهد راهبردهای مسئولانه در بهبود تعادل میان کار و زندگی آنان هستیم. این مطالعه وضعیت زنان عضو هیئت علمی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها را بررسی می‌کند تا به این سؤال‌ها پاسخ دهد: تجربه زیسته زنان دانشگاهی در قرنطینه خانگی در ایام کرونا چگونه بود؟ حضور زنان دانشگاهی در خانه و در ایام کرونا چه فرصت‌ها و موقعیت‌ها و همچنین چه تهدیدها و تنگنانهایی را برای آن‌ها ایجاد کرد؟ زنان دانشگاهی چگونه میان نقش‌های شغلی و خانوادگی خود در ایام کرونا توازن ایجاد کردند؟

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی پژوهش

۲-۱-۱. مطالعات داخلی

با مرور پژوهش‌های انجام شده در حوزه تجربه زیسته زنان در داخل و خارج از ایران می‌توان به ایفای نقش‌های متعدد، توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان پی برد. پژوهش‌های انجام شده در حوزه تجربه زیسته زنان در داخل ایران به دو گروه قابل دسته‌بندی است. دسته اول، نگاهی به تجربه زیسته مدیران زن شامل تحقیقات ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۲)، عزیزی (۱۳۹۳) و گیلان (۱۳۹۵) است که نتایج آن‌ها بیانگر ایفای نقش‌های متعدد، توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان است. نگرش این مطالعات به هماهنگ کردن مدیران زن در انجام وظایف، تصمیمات و قدرت سازمانی آن‌ها و صرفاً فضای کاری مدیران زن است. دسته دوم، بازگویی تجربیات زنان و وجود نگرش‌های جنسیتی در تعادل میان کار و زندگی و تلاش بیشتر زنان برای کسب موفقیت است. پژوهش شادی طلب و ابراهیم‌پور (۱۳۹۶) در مورد تجربیات زنان در ارتقا به مرتبه استادی است که نتایج بیانگر سهم اندک زنان نسبت به

مردان در دستیابی به مقام استادی است. نتایج پژوهش رستگار خالد (۱۳۸۳) بیانگر آن است که پدیده تعارض نقش، به طور عمومی و تعارض بین نقش‌های شغلی و خانوادگی به طور خصوصی، اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش ابراهیمی (۱۴۰۰) در خصوص فهم تجربه زیسته مناسبات کار و زندگی در مدیران زن دانشگاهی است که به پیامدها و تبعات مثبت (ادراک کارآمدی، توان انطباق با شرایط و...) و منفی (تلقین کلیشه‌های جنسیتی، حس ناکامی در زندگی و...) پرداخت.

۲-۱-۲. مطالعات خارجی

یافته‌های پژوهش در حوزه تجربه زیسته زنان در پژوهش دم و دفتردر (۲۰۱۲) نشان‌دهنده دشواری زنان در تعادل میان کار و زندگی بود. پژوهش تافالتی و استار (۲۰۱۶) تلاش زنان دانشگاهی برای تعادل کار و زندگی و وجود نگرش‌های جنسیتی در فضای کاری را مشخص کرد. با مروری بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، ملاحظه می‌شود در جوامع کنونی، به احتمال زیاد افراد شاغل، ضمن ایفای دو نقش خانگی و شغلی خود در شرایطی قرار می‌گیرند که قادر نیستند وظایف خود را در هر دو نقش یا یکی از آن دو به خوبی و به طور کامل ایفا کنند و یکی از نقش‌ها مزاحم یا مانع ایفای نقش دیگری است. در چنین شرایطی، تعارض نقش می‌تواند از یک سو با تحت تأثیر قراردادن احساسات و ادراکات فرد از موقعیتش در قبال کار و خانواده به صورت تنش و فشار روانی جلوه‌گر شود و سلامت روانی فرد را به خطر اندازد و از سوی دیگر، روابط اجتماعی‌اش را با سایرین در کار و خانواده مخدوش کند و از عملکرد درست فرد در این دو نهاد جلوگیری کند.

۲-۲. پیشینه نظری پژوهش

در روش‌های تحقیق کیفی، از نظریه‌های واحد استفاده نمی‌شود (Mohammadpour, 2013: 234). در این پژوهش، از روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده و هدف اصلی تحقیق، پدیدارشناسی کشف تجارب مختلف افراد از پدیده مورد بررسی، برای رسیدن به ماهیت و جوهره واقعی آن است. به بیان الوانی (۱۳۸۹) «پدیدارشناسی هیچ نظریه و تعهد علمی را نمی‌پذیرد و فقط خود را به جنبه‌های علمی کار متعهد می‌داند» (Alwani, 2010: 68). بدین جهت پدیدارشناسی چارچوبی ارائه نمی‌دهد، بلکه بیشتر به معاینه و توصیف پدیده‌ها بدون پیش‌داوری‌های قبلی توجه دارد و معتقد است برای آنکه بتوانیم به ماهیت اشیا راه یابیم، باید هرگونه پیش‌فرض و آگاهی پیشین که درباره آن پدیده داریم، در پرانتز قرار دهیم تا بتوانیم آن مسئله را به گونه خالص تجربه کنیم (Ershad, 2001: 13). از این رو، این پژوهش چارچوب نظری ندارد، اما به برخی از نظریه‌هایی که تا حدودی به موضوع پژوهش مرتبط است، در قالب ملاحظات نظری پرداخته می‌شود.

آلن تورن (۱۳۹۷) نظریه پرداز اجتماعی سرشناس، در کتاب پارادایم جدید نشان می دهد در دنیای امروز، پارادایم فرهنگی یعنی پارادایمی که هر شهروند و هر انسانی باید سوژگی، عاملیت، خلاقیت و حضور فعال خودش را در جامعه امروز بسازد، سرشت ناگزیر ماست (Torn, 2017: 33). در این پارادایم جدید یا پارادایم فرهنگی، اگر شهروندان بخواهند مواجهه ای منفعل با محیط های خود از جمله خانه داشته باشند، زندگی بر آن ها سخت خواهد گذشت.

جفری الکساندر (۲۰۰۴)، نظریه پرداز ترومای فرهنگی، استدلال می کند که در موقعیت «ترومای فرهنگی» روابط جدیدی میان ساختارها، سیستم ها، مفاهیم و کنش ها برقرار می شود. در چنین موقعیتی «مسئولیت اجتماعی» و «کنش سیاسی» معنا، هویت و هستی تازه ای پیدا می کند و افراد و سازمان ها ناگزیر باید متناسب با این موقعیت سازوکارها و عملکردهای خود را بازتعریف و ارائه کنند. ترومای فرهنگی امری طبیعی نیست، بلکه «برساخته اجتماعی» است که از نحوه معنادهی، چپش و ترکیب و قرارگیری رخدادها در کنار هم ایجاد می شود. در این موقعیت افراد احساس می کنند که توانایی تأمین نیازهای ضروری شان مانند امنیت، عشق، ارتباط و برقراری نظم را ندارند. در این موقعیت «زندگی» تهدید می شود و «طبیعت انسان» در معرض نیستی قرار می گیرد. جفری الکساندر (۲۰۰۴) استدلال می کند که رویدادها به طور ذاتی تروماتیک نیستند، بلکه جامعه در موقعیتی معین، آن ها را با «واسطه ای اجتماعی» به تروما تبدیل می کند. «رویداد تروماتیک شده»^۱ باید احساس ویران شدن و خطر پایدار را در افراد جامعه تثبیت کند و با پذیرش همگانی همراه شود (Alexander, 2004: 4). در این وضعیت حساس و انباشته از فشار، هر حادثه تلخی که ابعاد فراگیر داشته باشد، می تواند مانند نشانه یا نمادی از همه بحران ها و چالش های موجود، عمیق ترین لایه های احساسی شهروندان را متأثر کند و به شکل «ترومای فرهنگی جمعی» ظاهر شود. (Fazeli, 2020: 98).

فاضلی (۱۳۹۹) بیان کرده است ما در حالی خانه نشینی ناگزیر را پذیرا شده ایم که خانه ها پذیرای ما نیستند. در فرایند شهری شدن در دوره معاصر، رقابتی میان خیابان و خانه شکل گرفت و در نتیجه گفت و گو و وقت گذرانی اعضای خانه با یکدیگر در درون خانه ها کاهش یافت. برای خانه نشینی، نیازمند احیای خانه و توسعه عملکردهای آن به کمک خلاقیت های فردی و پذیرش مسئولیت دشوار بازاندیشی در معنای خانه و تلاش برای توسعه عملکردهای خانه هستیم (Fazeli, 2020: 112). ژوزف بلمن (۱۳۸۹) معتقد است انقلاب الکترونیکی موجب بازگشت عملکردهای تفریحی، آموزشی، بهداشتی و کار به خانه خواهد شد، اما امروز می بینیم که بحران کرونا بیش از انقلاب الکترونیکی ما

۱ cultural trauma

۲ traumatic event

را وادار کرده است تا به خانه‌هایمان به شیوه دیگری نگاه کنیم (Joseph, 2010: 28). شاید بحران کرونا فرصتی باشد تا شهروندان ایرانی بار دیگر به خانه و عملکردهای آن در جامعه امروز و فردا از منظر دیگری بنگرند و خود را آماده کنند که در خانه‌هایشان چگونه لذت ببرند، تفریح کنند، یاد بگیرند و چگونه زندگی اجتماعی را نه تنها در خیابان‌ها بلکه در فضاها و محیط‌های خانه و خانواده بگذرانند. در چنین شرایط مخاطره‌انگیزی ناگزیریم به بازاندیشی و تأمل جدی درباره ارزش‌ها، معانی و عملکردهای خانه در دنیای جدید بپردازیم (Elrich, 2018: 44). گاستن باشلار (۱۳۹۷) معتقد است خانه یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های ترکیب‌کننده اندیشه، خاطره و رؤیای آدمی است. به اعتقاد او خانه گهواره‌ای است که در آن می‌توانیم به خیال‌ها و رؤیاهایمان وسعت ببخشیم (Bashelar, 2018: 52). از سوی دیگر، فاضلی (۱۳۹۹) در آثارش به پزشک اجتماعی نیز اشاره کرده است. او معتقد است تا قبل از کرونا، مقوله سلامت امری شخصی در بین انسان و جامعه ایرانی بود، اما با وقوع بحران کرونا، نگرش تازه‌ای شکل گرفت که در آن، بیماری و سلامت به صورت «برساخت اجتماعی و فرهنگی» تلقی و تعریف می‌شود. در این شرایط، شهروندان احساس مسئولیت می‌کنند و همگان را دعوت می‌کنند از راه مراقبت خود و اعضای خانواده‌هایشان از شیوع این بیماری پیشگیری کنند. گویی هر شهروند حکم یک پزشک اجتماعی را پیدا می‌کند. چشم‌ها، گوش‌ها و دهان انسان ایرانی بیش از هر زمان دیگر حساس و فعال شده‌اند؛ گویی سلول‌های فرد ایرانی مسئولیت را تمرین می‌کنند (Fazeli, 2020: 118).

همچنین به برخی از نظریه‌های اشتغال زنان باید با تأمل بیشتری نگاه کرد؛ به طوری که طبق نظریه «مردیت استعلایی»، مردیت ذات‌گرایانه یا ذاتی است و مردان در مواردی تصور می‌کنند چون مرد به دنیا آمده‌اند، برترند؛ بنابراین، کار خانه را بی‌ارزش و ضدارزش می‌دانند و انجام‌دادن آن را در شأن خود نمی‌دانند (Sarukhani, 2017: 232)، اما براساس تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه، قرنطینه خانگی و دورکاری زنان و مردان در خانه تا حدودی این نظریه را کمرنگ کرده است. از طرفی می‌توان شاهد ظهور اندیشه به «نظریه (زن و مرد یکسانی)» در ساختار خانواده‌ها در این ایام بود؛ به طوری که در مقابل نظریه بسط و انفکاک که در آن کوشش می‌شود زنان و مردان از هم جدا شوند، در نظریه مرد-زن یکسانی، به حداکثر اشتراک و حداقل تفاوت بین زن و مرد اهمیت داده می‌شود (Sarukhani, 2017: 232-233) که این امر گامی در جهت توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی زنان مشارکت‌کننده است.

علاوه بر این مطابق نظریه «ترکیبی-اعتدالی»، زنان باید نقش‌های شغلی و خانوادگی خود را ایفا کنند، اما عناصر این اعتدال، از قبیل استفاده از فناوری جدید برای کاستن از بار خانه‌داری و تسهیم

کار خانه با همسر، به منظور کاهش تعداد و پراکندگی وظایف (Barnett, 1993) باید مورد توجه قرار گیرد. اشتغال زنان که برخی از آن با عنوان مهاجرت دسته‌جمعی زنان از خانه نیز یاد کرده‌اند، در هر حال از مهم‌ترین پدیده‌های عصر حاضر است. حال با توجه به بحران کرونا و شرایط حاکم بر جامعه و فراهم آمدن امکان دورکاری برای زنان شاغل، لازم بود به حساسیت‌های نظری این حوزه با توجه به تجربه زیسته زنان در توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی بپردازیم. یکی از مهم‌ترین عوامل، یعنی تعادل بین انتظارات کار و زندگی خانوادگی، اغلب مغفول باقی مانده است. زنان شاغل به‌ویژه زنان عضو هیئت‌علمی، برای آنکه در زندگی دچار مشکل نشوند، باید میان کار و زندگی شخصی خود تعادل برقرار کنند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. این روش بر عمق تجربیات تأکید دارد و درک ما را از تجربیات زندگی افزایش می‌دهد (Adib Haj Bagheri et al., 2007). این پژوهش از لحاظ موضوعی، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا و از لحاظ روش، اکتشافی است و به توصیف تجارب زیسته زنان عضو هیئت‌علمی می‌پردازد؛ بنابراین انتظار می‌رود تا تصویری مشروح و صریح از این پدیده ترسیم شود؛ البته آن گونه که در موقعیتی خاص از سوی افراد ادراک می‌شود (Vanderson & Scott, 2009). جامعه این پژوهش دربرگیرنده زنان عضو هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های وابسته به وزارت علوم است که تمایل و تجربه‌ای به صورت مستقیم در موضوع مورد پژوهش داشته‌اند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی از نوع هدفمند برای مصاحبه استفاده شد. در پژوهش کیفی، نمونه‌گیری آنقدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری حاصل شود. به عبارت دیگر، گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که افزایش داده‌ها به ایجاد مفاهیم، مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌های جدید منجر نشود (Becker et al., 2001: 72). از این‌رو در این مطالعه انتخاب شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و شرح غنی از تجربیات به دست آمده ادامه داشت. «امانتداری بازگوکننده روایی و پایایی پژوهش کیفی است. قابل‌پذیرش بودن، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری اجزای ضروری حصول به امانتداری در پژوهش کیفی در وجه روایی و پایایی است.» (Lincoln & Guba, 1985, quoted by Bodlaj, 2016: 39). از این‌رو، در انجام پژوهش پدیدارشناسی برای حفظ قابلیت امانتداری، اختصاص زمان مناسب برای تشریح هدف پژوهش به مشارکت‌کنندگان، تعیین رویه‌های گردآوری داده‌ها، سؤال‌های

پژوهش، نحوه حفظ انسجام داده‌ها و فرایند تحلیل صورت پذیرفت. مصاحبه‌ها در بازه زمانی مهر ۱۳۹۹ تا مهر ۱۴۰۰ توسط پژوهشگر انجام شد.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت است از:

تجربه زیسته زنان دانشگاهی در نحوه مواجهه با قرنطینه خانگی در ایام کرونا چگونه بوده است؟ حضور زنان دانشگاهی در خانه و در ایام کرونا چه فرصت‌ها، موقعیت‌ها و همچنین چه تهدیدها و تنگنانهایی را برای آن‌ها ایجاد کرده است؟

زنان دانشگاهی چگونه میان نقش‌های شغلی و خانوادگی خود در ایام کرونا توازن ایجاد کرده‌اند؟ هدف بیان شده در تحقیق پدیدارشناسی «روشن کردن جزئیات و شناخت پدیده‌ها از طریق چگونگی درک آن‌ها توسط عاملان انجام چنین تحقیقاتی است» (Lester, 1999: 1) که هم فلسفه و هم یک روش است. پدیدارشناسی به عنوان نوعی روش تحقیق، به خاطر کنار گذاشتن تعمدی چارچوب‌ها یا حقایق از قبل تعیین شده، متفاوت با دیگر روش‌های تحقیق است. پدیدارشناسی بیشتر نوعی روش، نگرش و حالتی تحقیقی با مجموعه‌ای از اهداف مشخص است (Hickner, 1985: 279). در جدول ۱ ویژگی‌های عمومی پژوهش حاضر قابل مشاهده است.

جدول ۱. طرح پژوهش حاضر

ماهیت تجربه زیسته توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها	نقطه تمرکز
نیاز به کشف و توصیف ماهیت توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها	مسئله پژوهش
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی زنان، روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه پدیدارشناسی	دانش پایه
تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها	واحد تحلیل
انجام مصاحبه با افراد	شکل گردآوری داده‌ها
تحلیل داده‌ها برای گزاره‌های مهم، واحدهای معنی، توصیفات ساختاری و متنی (زمینه‌ای)، توصیف جوهر پدیده	شیوه تحلیل داده‌ها
توصیف ماهیت یک تجربه	گزارش مکتوب

بر پایه داده‌های حاصل از سؤال‌های پژوهش، پژوهشگر به بررسی داده‌ها (نظیر رونوشت مصاحبه‌ها) پرداخت. همچنین برجسته کردن گزاره‌های مهم، جملات و عبارات، نشان‌دهنده چگونگی شکل‌گیری تجربه مشارکت‌کنندگان در خصوص پدیده است. موس تاکاس این گام را افقی‌سازی می‌نامد که در آن، هر گزاره‌ای دارای ارزش برابر است. سپس به توسعه دسته‌ها و خوشه‌هایی از معانی

۱. به علت ویروس کرونا و شیوع آن در کشور، زمان گردآوری داده‌ها طولانی شد.

از درون گزاره‌های مهم و با معنی به شکل مضمون پرداخته شد. تعیین حدود افق‌ها به‌عنوان کیفیت‌های تغییرناپذیر، ثابت و دسته‌های غیرتکراری و غیرهمپوشان سازنده مضامین حائز اهمیت بود (Boudelai, 2016: 166).

در خصوص چالش اینکه چه کسی در پژوهش باید پیش‌فرض‌ها را برکت‌کند، تحقق این موضوع در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق رفت‌وبرگشت مکرر میان پژوهشگر-داده‌ها-مشارکت‌کننده میسر شد. مهم‌ترین اقدامات عملی برای برکت‌کردن در این پژوهش براساس دیدگاه موستاکاس (۱۹۹۴) و کرسول (۲۰۰۷) عبارت‌اند از:

- تعیین جایگاه پژوهشگر: در مرحله آغاز پژوهش (تعلیق نقش باورها و دانش پیشین)؛
- ثبت کامل داده‌های مصاحبه و نگارش آن به‌نحوی که قابل‌بازیابی و مطالعه و مرور مجدد باشد؛

ک یادداشت‌برداری در طول مصاحبه و تحلیل داده‌ها؛

- همکاری مشارکت‌کنندگان در پژوهش در گام‌های تحلیل داده‌ها.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های این پژوهش، رویه‌ای ابداعی (Moustakas, 1994) با اعمال تعدیلاتی که در طول تحلیل کیفی داده‌ها پدیدار شد، استفاده شد (Boudelai, 2016: 227). به این شکل که در گام نخست و پایین‌ترین سطح تحلیل داده‌ها، براساس گزاره‌های معنادار برخاسته از متن مصاحبه‌ها، افق‌های فکری زنان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها احصا شد. فرایند سلسله‌مراتبی تحلیل داده‌های این پژوهش در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. ساختار سلسله‌مراتبی تحلیل

سطح اول تحلیل داده‌ها: ادغام ساختاری توصیف‌های منسجم		
جوهره برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت‌علمی در ایام کرونا		
سطح دوم تحلیل داده‌ها: توصیف منسجم روایت با توجه به خوشه‌های افق‌ها		
۱. برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی	۲. زمینه‌های اثرگذار	۳. راهبردها و راهکارها
زنان عضو هیئت‌علمی		

۱. برکت‌کردن یا اپوچه به معنای اجتناب از پیش‌داوری‌ها یا تعلیق آن‌ها یا پرهیز از صدور حکم مبتنی بر پیش‌داوری است. برکت‌کردن در پژوهش و در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق رفت‌وبرگشت مکرر میان پژوهشگر، داده‌ها و مشارکت‌کننده میسر شد (Bodlai, 2015: 225).

۱-۱. توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی	۲-۱. فرهنگ قرنطینه	۳-۱. در حوزه پژوهش
۱-۲. توازن در حوزه آموزش	۲-۲. ظهور مسئله فرهنگی جدید	۳-۲. در حوزه مدیریتی
۱-۳. توازن در حوزه پژوهش	۲-۳. تجربه زندگی در بحران کرونا	۳-۳. در حوزه خانواده
	۲-۴. ایجاد دورکاری	
سطح سوم تحلیل داده‌ها: یکسان‌سازی افق‌ها		

همچنین با توجه به معیارهای ارائه شده توسط کرسول و میلر (۲۰۰۰) برای حصول اطمینان از اعتبار و مقبولیت داده‌ها و یافته‌های پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌ها، اقداماتی نظیر بازبینی توسط اعضا، بررسی همکار و مشارکتی بودن پژوهش صورت گرفت.

۲-۴. سطح سوم تحلیل داده‌ها: یکسان‌سازی افق‌ها

در این مرحله، توضیحات کلامی شرکت‌کنندگان درباره سؤال‌های پژوهش به طور کامل تحلیل شدند و واحدهای معنادار از عبارات و توضیحات مشارکت‌کنندگان استخراج شد. افقی‌سازی براساس انتزاع تجارب مشارکت‌کنندگان و براساس الگوی جدول ۴ صورت گرفت. در تشریح جدول‌های ۳ تا ۸ باید اشاره شود که ستون اول مربوط به ردیف کدهای ظاهر شده است. ستون دوم، مرحله اول یکسان‌سازی افق‌های فکری است که براساس گزاره‌های معنادار حاصل از متن مصاحبه‌ها، نام‌گذاری مضامین اولیه اتفاق افتاد و به عنوان «یک گزاره معنادار مستخرج از توضیحات کلامی شرکت‌کننده‌ها» (مؤلفه/زیرمؤلفه‌ها) اشاره دارد. ستون سوم به فراوانی (تعداد) و کد نفرت مشارکت‌کننده‌ای اشاره دارد که افق مورد نظر را در تجربه زیسته خویش ذکر کرده‌اند. ستون چهارم مربوط به گام دوم مرحله یکسان‌سازی افق‌های فکری است که بازنویسی معنا یا توصیف نام دارد.

جدول ۳. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «ایجاد دورکاری»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
۱	ایجاد مثلث ارتباط کاری	۸-۱	انجام کارهای اداری با استفاده از اینترنت از خانه
		۱۹-۱	انجام وظایف سازمانی و اداری از راه دور با استفاده از فناوری‌های ارتباطی
		۷-۱	دردسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق فناوری‌های ارتباطی و سازمان کسب و کار
			دردسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق اینترنت و سازمان استخدام‌کننده
۲	محوشدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار	۲۱-۱	از بین رفتن مرز میان فضای کاری و زندگی در خانه
۳	تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه	۲۶-۱	آنلاین بودن هم‌زمان فعالیت‌های کاری زن و مرد در خانه
۴	از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و	۱۲-۱	از بین رفتن مرز میان تدریس و انجام وظایف خانه

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
	مسئولیت‌های خانه	۲-۱	از بین رفتن مرز میان وظایف شغلی (پژوهش و...) و انجام وظایف خانه
۵	صرفه‌جویی در زمان و انرژی	۴-۱	کاهش زمان رفت‌وآمد
		۸-۱	کاهش خستگی ناشی از رفت‌وآمد
		۱۰-۱	انعطاف در انتخاب زمان کار متناسب با شرایط زندگی شخصی
		۲۹-۱	ساعات کار منقطع
			فعالیت زنان براساس آهنگ روزانه شخصی خود (اوایل صبح/آخر شب) شناور بودن ساعات کاری

جدول ۴. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «ظهور مسئله فرهنگی جدید»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
۱	خودآگاهی جمعی	۶-۱	تجربه‌های تمامی افراد جامعه
		۱۰-۱	تجربه‌های فرافردی (خارج از حیطه شخصی)
		۱۱-۱	احساس افراد در معرض اتفاق هولناک
		۲۴-۱	تأثیر پیامدهای ویرانگر جبران‌ناپذیر بر پیکره جامعه
		۲۶-۱	امکان نابودی هستی افراد برای همیشه
۲	ضربه فرهنگی	۷-۱	تهدید زندگی
		۹-۱	ایجاد روابط جدید میان ساختارها و سیستم‌ها
		۱۱-۱	ایجاد روابط جدید میان افراد
		۱۴-۱	تغییر در مراسم و مناسک
		۱۶-۱	تغییر در ارزش‌ها
		۱۷-۱	ایجاد کنش‌های جدید در جامعه
		۲۶-۱	ظهور مفاهیم جدید در جامعه
۳	علل ظهور ضربه فرهنگی	۷-۱	از طریق گروه‌های اجتماعی
		۹-۱	روشنفکران، هنرمندان و روزنامه‌نگاران
		۱۴-۱	ابزارها رسانه‌ها
۴	رویداد تروماتیک شده	۱۷-۱	تثبیت احساس ویران شدن در افراد جامعه
		۲۶-۱	تثبیت خطر پایدار در افراد جامعه
		۲۷-۱	وجود پذیرش همگانی
۵	ترومای فرهنگی جمعی	۷-۱	نشانه یا نمادی از همه بحران‌ها
		۹-۱	نشانه‌ها یا نمادی از همه چالش‌ها
		۱۱-۱	تأثیر بر عمیق‌ترین لایه‌های احساسی شهروندان
		۱۵-۱	ملتهب‌ساختن ذهن و ضمیر جمعی جامعه

جدول ۵. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «فرهنگ قرنطینه»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
۱	محروم از هرگونه گردهمایی	۲۴-۱	اعم از خانوادگی، محله‌ای، شهری/ملی و منطقه‌ای
۲	ایجاد موقعیت تعلیق	۹-۱	زندگی روزمره/ مناسک و آیین‌ها، اجرای هنجارها و ارزش‌های فرهنگی
۳	تأمل درباره شیوه تازه‌ای از زندگی در بحران	۱۳-۱	ایجاد شیوه جدید در راهبردها/ عادت‌واره‌ها
		۱۷-۱	ایجاد شیوه جدید در الگوها
		۱۹-۱	ایجاد شیوه جدید در هنجارها و باورها
		۱۸-۱	ایجاد دانش جدیدی در ذهنیت و زبان
۴	موقعیت قرنطینه	۲۶-۱	در انزوا قرارگرفتن شهروندان
		۶-۱	تنهایی ناشی از قرنطینه
۵	توجه به حس مشترک	۴-۱	توجه به حس مشترک ملی
		۲۴-۱	توجه به حس مشترک جهانی
۶	نبود انفصال همه‌جانبه از یکدیگر	۳۰-۱	در قرنطینه بودن از لحاظ جسمانی
		۲۹-۱	ارتباط با دیگران از طریق فضای مجازی
		۵-۱	ارتباط با دیگران از طریق تلفن‌ها
		۳-۱	ارتباط با دیگران از طریق موبایل‌ها
		۷-۱	ارتباط از طریق جهان رسانه‌ای کنونی
۷	خلوت‌گزینی	۹-۱	کمتر پرداختن به خرید
		۱۱-۱	حضور کمتر فرد در بازار
		۵-۱	تأمل کردن در مورد نیاز وجودی خود
		۱۵-۱	بازاندیشی در مورد وجود خویش
۸	بازآفرینی خانه و خانواده	۲۲-۱	ایجاد شکل تازه‌ای از تعامل و ارتباط با خانواده
		۳-۱	ارزیابی، تحلیل و بازشناسی با دقت و نگاه جدید به خانه و تمام متعلقات آن
		۷-۱	خانه به‌عنوان محیط زندگی فرد
۹	وقت آزاد و اوقات فراغت زیاد	۲۰-۱	استفاده از فراغت‌های رسانه‌ای

جدول ۶. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «تجربه زندگی در بحران کرونا»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
۱	تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران	۱۳-۱	من در خانه باید مراقب خودم باشم
		۲۳-۱	من در خانه باید به دیگران کمک کنم تا مراقب خودشان باشند
		۱۷-۱	کمک متقابل افراد به همدیگر برای مراقبت متقابل و هم‌زمان از

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
	در میان زنان		یکدیگر
	یارگیری مراقبت محور	۲۱-۱	به‌عنوان پزشک مراقب افراد بیمار در خانواده/ مراقب خودمان بودن
۲	روابط و مناسبات اجتماعی در زنان	۲۵-۱ ۲۷-۱	انجام کنش‌ها و رفتارها بر مبنای مراقبت/ و تعهد اخلاقی
۳	اخلاق مراقبتی در زندگی	۳۰-۱ ۲۲-۱	هرگونه کوتاهی در مراقبت از خویشان و دیگران نوعی گناه و بی‌اخلاقی
		۱-۱ ۱۰-۱	راه‌اندازی کمپین‌های پیشگیرانه و درمانی از سوی پژوهشگران انتقال صحیح پروتکل‌های پیشگیرانه و درمانی پژوهشگران به مردم
	توجه پژوهش‌گران به کرونا و آثار آن	۶-۱ ۵-۱	پژوهش در جهت آثار و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی کرونا و پیش‌بینی و ترسیم موقعیت‌های اجتماعی با افراد، نهادها و مناسبات اجتماعی
	بازتعریف مسئله اخلاق و تعهدات اجتماعی در بین زنان	۳-۱ ۱۳-۱ ۲۳-۱	بازتعریف هنجارها و ارزش‌های فردی و اجتماعی/ شناخت و رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای قطع زنجیره شیوع/ درک اینکه نیروی جمع، امکان بقا به جامعه و امکان حل بحران‌های بزرگ مانند کرونا
۴	روابط انسانی و اجتماعی	۶-۱ ۴-۱	یارگیری، خود مراقبتی جمعی/ همیاری/ دگریاری/ خودیاری
	بازتعریف الگوهای روابط انسانی و اجتماعی از سوی زنان		
۵	تغییر شکل سبک تعاملات خانواده	۳-۱ ۵-۱	دوره‌می‌های خانوادگی مجازی/ ایجاد ارتباطات مجازی بین افراد/ ارتباط مجازی با جهان بیرونی
	تغییر شکل تعاملات خانواده	۵-۱ ۸-۱	امکان ارتباط مناسب‌تر با اعضای خانواده/ تلاش برای رفع مسائل داخلی خانواده/ امکان ارتباط مسئولانه‌تر با اعضای خانواده
	تغییر شکل	۱۰-۱	فراغت آشفته برای مادران

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت کننده	مفاهیم
۷	اوقات فراغت	۱۳-۱	عدم فراغت شخصی برای مادر
	فراغت در خانه	۲۱-۱	به اشتراک گذاری پیام‌ها/ گپ و گفت‌وگوی اینترنتی/ مجازی
	انجام کارهای هنری	۲-۱	انجام فعالیت‌های هنری در کنار اعضای خانواده
۷	تغییر شکل برنامه‌های مناسبتی	۱-۱	مشارکت حضوری به صورت اجباری/ ترس و اضطراب از ابتلاء خود و دیگران به کرونا در مراسم سوگواری
		۶-۱	
		۱-۱	همدردی کردن با خانواده داغدار/ بدون عدم حضور در مراسم
		۸-۱	

جدول ۷. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «معنای توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت کننده	مفاهیم
۱	همکاری اعضای خانواده با فرد شاغل	۱-۱ ۱۲-۱	همکاری در تهیه غذا و نظافت منزل
۲	تعادل میان کار و خانواده	۱۰-۱ ۲۰-۱	آشتی دادن کار و زندگی خانوادگی
۳	ایجاد مدیریت زمان	۲۲-۱	انعطاف در ایجاد شرایط محیطی و زمان برای کار
		۲۱-۱	توازن برنامه‌ریزی و مدیریت در ایجاد فضای آرام بین کار و خانواده
		۱۵-۱ ۱۳-۱	
۴	تبدیل بحران (تنش کار و خانواده) به فرصت بیشتر باهم‌بودن در خانواده	۱۶-۱ ۱۷-۱ ۲۰-۱	لذت بودن در کنار عزیزان/ فرصت بیشتر درک و شناخت متقابل همسران و والدین و فرزندان
۵	خانگی شدن زندگی	۲۳-۱ ۱۳-۱ ۷-۱	متمرکز شدن تمامی امور معطوف به محیط خانه
۶	تأثیر مثبت بر فضای داخلی خانه	۱۹-۱ ۸-۱	فرصت همفکری و مشورت برای تغییر دکوراسیون و تزئین منزل با اعضای خانواده/ بهتر کردن فضای خانه برای زندگی طولانی مدت در آن

۱. شیوه گذراندن اوقات فراغت در خانواده قبل از کرونا دستخوش تغییر شد. افراد زمان بیشتری را برای فراغت در اختیار داشتند و سعی در گذراندن آن به بهترین شیوه داشتند (مانند تماشای فیلم، مطالعه کتاب، شبکه‌های اجتماعی و...). می‌توان گفت با تعطیلی مراکز فرهنگی و تفریحی، سبک‌های جدیدی در شیوه گذراندن اوقات فراغت مطرح شده است. از جمله می‌توان به انواع آموزش‌ها در منزل و با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

جدول ۸. تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها برحسب زیرمؤلفه‌های «توازن در حوزه‌های آموزش و پژوهش»

ردیف	زیرمؤلفه‌ها	کد مشارکت‌کننده	مفاهیم
۱	انجام فعالیت‌های آموزشی	۳-۱	شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه مجازی
		۶-۱	شرکت در دوره‌های ضمن خدمت مجازی
		۱۶-۱	فعالیت‌های آموزش مجازی
		۲۵-۱	فرصت آشنایی بیشتر با نرم‌افزارهای مختلف
		۲۸-۱	حضور در سخنرانی‌های مجازی
			تسهیل در تعامل با استادان دانشگاه
۲	تغییر شکل سبک آموزش در خانواده	۲-۱	آموزش مجازی فرزندان
		۳-۱	شرکت در مشاوره‌های روان‌شناسی مجازی
		۵-۱	انواع آموزش‌ها در منزل با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی
۳	انجام فعالیت‌های پژوهشی	۷-۱	رسیدگی به امور عقب‌افتاده پژوهشی
			انجام تولیدات علمی و پژوهشی جدید
		۱۲-۱	تعیین اولویت‌های پژوهشی
		۱۶-۱	دسترسی به منابع ثانویه برای انجام پژوهش
			فرصت تأمل بیشتر در امر پژوهش و ایده‌پردازی

در ادامه روند پژوهش، خوشه‌بندی کلی در سه روایت الف) برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت‌علمی، ب) زمینه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت‌علمی و پ) به‌کارگیری راهبردها و راهکارهایی به‌منظور برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا از سوی زنان عضو هیئت‌علمی صورت پذیرفت.

جدول ۹. توصیف نهایی سازه‌های عام برحسب برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت‌علمی

برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان عضو هیئت‌علمی	زمینه‌های اثرگذار	راهبردها و راهکارها
توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی	ایجاد دورکاری	در حوزه پژوهش
توازن در حوزه آموزش	فرهنگ قرنطینه	در حوزه مدیریتی
توازن در حوزه پژوهش	ظهور مسئله فرهنگی جدید	در خانواده
	تجربه زندگی در بحران کرونا	

۳-۴. سطح دوم تحلیل: توصیف منسجم روایت با توجه به خوشه‌های افق‌ها

۳-۴-۱. برقراری توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی

با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، برقراری توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی در ایام کرونا فرایندی خلاقانه است؛ به طوری که در این فرایند، همکاری اعضای خانواده با فرد شاغل، تعادل میان کار و خانواده (آشتی دادن کار و زندگی خانوادگی)، ایجاد مدیریت زمان (انعطاف در ایجاد شرایط محیطی و زمان برنامه کار و توازن برنامه‌ریزی و مدیریت در ایجاد فضای آرام بین کار و خانواده)، تبدیل بحران (تنش کار و خانواده) به فرصت بیشتر باهم‌بودن در خانواده، خانگی شدن زندگی و تأثیر مثبتی که روی فضای داخلی خانه گذاشته، ظهور پیدا کرده است.

همچنین این توازن خلاقانه، هم در حوزه آموزش و هم در حوزه پژوهش از سوی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در ایام کرونا مطرح شده است. توازن در حوزه آموزش به معنای انجام فعالیت‌های آموزشی و تغییر شکل سبک آموزش در محیط خانه به صورت آنلاین است. در انجام فعالیت‌های آموزشی مشارکت‌کنندگان به انجام فعالیت‌های آموزش مجازی (برگزاری کلاس‌های آموزشی و تولید محتوای آموزشی برای تدریس مجازی)، شرکت در دوره‌های مجازی ضمن خدمت (شرکت در کارگاه‌های آموزشی مجازی)، حضور در سخنرانی‌های مجازی (حضور در فضای مجازی به عنوان سخنران یا مهمان) و تسهیل در تعامل با استادان دانشگاه‌ها (استادان در داخل و خارج از کشور)، شرکت در کلاس‌های فوق برنامه مجازی (نظیر کلاس‌های ورزشی، زبان انگلیسی، هنری و...) و آشنایی با نرم‌افزارهای مختلف توسط فرزندان (با حضور در کنار فرزندان) اشاره کردند. به علاوه آنان تغییر شکل سبک آموزش در خانواده را نیز مطرح کردند.

زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بیان کردند توازن در حوزه پژوهش نیز خلاقانه بوده است؛ به طوری که آنان موفق به رسیدگی به امور عقب افتاده پژوهشی (نگارش مقالات، تحقیق و فیش برداری، تکمیل نگارش کتاب ناتمام و تکمیل پروژه‌های ناتمام پژوهشی باقیمانده)، انجام تولیدات علمی و پژوهشی جدید (نگارش مقالات، تحقیق و پژوهش و نگارش کتاب)، تعیین اولویت‌های پژوهشی و دسترسی به منابع ثانویه (دسترسی به اطلاعات، اسناد و آمارهای رسمی به صورت آنلاین) برای انجام پژوهش در ایام کرونا شده است. در واقع ایام کرونا، قرنطینه و خانه‌نشینی شدن زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، فرصتی را برای آنان در حوزه پژوهش فراهم کرده است.

۲-۳-۴. زمینه‌های اثرگذار

زمینه‌هایی بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در ایام کرونا اثرگذار بوده است. این زمینه‌های اثرگذار شامل ایجاد دورکاری، فرهنگ قرنطینه، ظهور مسئله فرهنگی جدید و تجربه زندگی در بحران کرونا است.

«ایجاد دورکاری»، یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا بوده است. دورکاری در ایام کرونا به معنای ایجاد مثلث ارتباط کاری (خانه/دورکاری، اینترنت و فناوری‌های ارتباطی و سازمان/فضای کاری)، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی است. منظور از ایجاد مثلث ارتباط کاری از نگاه زنان اعضای هیئت علمی، انجام کارها و وظایف شغلی و اداری از خانه با استفاده از اینترنت، انجام وظایف سازمانی و اداری از راه دور با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و دردسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق فناوری‌های ارتباطی با سازمان است. همچنین دوری کاری به معنای انعطاف در قبول مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانگی است؛ به گونه‌ای که برخی از زنان شاغل، در اوایل صبح و برخی در آخر شب (ساعات کار منعطف)، کارهای روزانه را انجام می‌دادند.

«فرهنگ قرنطینه» بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا اثرگذار بوده است که در آن، موقعیت قرنطینه، شهروندان را در انزوا و «شیوه تنها زیستن» قرار داده است. اگرچه همیشه اشکال گوناگونی از تنهایی برای هر جامعه و انسانی وجود دارد، موقعیت تنهایی کنونی در ایام کرونا، کاملاً متفاوت با موقعیت‌های شناخته شده بوده است. در واقع تنهایی ناشی از قرنطینه ملی، به معنای آن است که در این موقعیت، همه باید در تنهایی جمعی بیندیشیم.

زمینه اثرگذار دیگر، «ظهور مسئله فرهنگی جدید» است. نتایج نشان داد جامعه با مسائل فرهنگی جدیدی مانند خودآگاهی جمعی، ضربه فرهنگی (شوک فرهنگی)، رویداد تروماتیک شده و ترومای فرهنگی جمعی مواجه شده است. خودآگاهی جمعی به معنای تجربه‌های تمامی افراد و تجربه‌های فرافردی (خارج از حیطه شخصی) از التهاب‌های اجتماعی است، در این وضعیت، افراد احساس می‌کنند که در معرض اتفاق هولناکی قرار دارند که ممکن است پیامدهای ویرانگر جبران‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیری بر پیکره کل جامعه به جا بگذارد. این اتفاق هولناک نه تنها موقعیت

امروز، بلکه می‌تواند آینده نزدیک و دور جامعه را نیز به خطر اندازد و موجب نابودی هستی افراد برای همیشه شود.

۴-۴. چگونگی حمایت و همراهی دانشگاه

زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، راهبردها و راهکارهایی برای بهبود برقراری توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در سه حوزه پژوهش، مدیریتی و خانواده مطرح کردند. در حوزه پژوهش، از آنجا که فعالیت‌های پژوهشی نیازمند انضباط فکری، تمرکز و فراغ بال چه در محیط کار و چه در خانه است، الزامی به انجام آن در محیط کار نیست و اجرای طرح دورکاری در مشاغل پژوهشی برای پژوهشگران به‌ویژه زنان می‌تواند مفید باشد. در حوزه مدیریتی، مدیران می‌توانند اگر الزامی به انجام آن در محیط کار نیست، دورکاری را امری داوطلبانه و به اختیار پژوهشگر قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود مسئولان به طرح دورکاری نیروی کار به‌ویژه زنان شاغل، به‌عنوان فرصتی برای رشد و تعالی جامعه نگاه کنند؛ به خصوص برای مشاغلی که نیاز به حضور فیزیکی در محیط‌های کاری نیست. البته بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری نیز باید به‌صورت کارشناسانه صورت گیرد؛ به‌طوری که ابتدا باید دانشی از مدیریت دورکاری کسب کرد؛ یعنی فرد قبل و هنگام تبدیل شدن به یک مدیر گروه دورکار چه چیزهایی را باید بداند. در حوزه خانواده، زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کردند که باید بر نظام نقش‌ها تأکید شود و افراد براساس نقش‌ها می‌توانند نیازهایشان را برطرف کنند. توجه به این امر، به افراد نیروی روحی و روانی کافی ناشی از رضایت کنشگری اخلاقی خواهد بخشید و همین نیرو می‌تواند شادابی زندگی را در افراد تأمین کند. تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی خانوادگی و در بحران‌ها، راهبرد دیگری است که زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کردند. مراقبت از خود نیز برای افراد خانواده حائز اهمیت است و زنان می‌توانند نقش پررنگی در اقناع اعضای خانواده در زیستن به شیوه جدید در بحران‌ها به‌ویژه بحران کرونا داشته باشند؛ زیرا حتی مراقبت از دیگران برای بقای جامعه مهم است. به دیگر سخن، سهم هر فرد در جامعه آن است که هرکجا هستند و هر کاری می‌کنند، برای مراقبت از خودشان و دیگران باشد.

۵. بحث

به‌رغم توجه به پدیده مناسبات کار و زندگی طی سه دهه گذشته، تعداد پژوهش‌هایی که با روش‌های کمی انجام گرفته‌اند، بسیار بیش از آن‌هایی است که از رویکرد کیفی استفاده کرده‌اند. همان‌گونه که به سنخ‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه اشاره شد، در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده،

به نقش مراقبتی و حمایتی زنان به‌ویژه زنان عضو هیئت‌علمی، در بحران‌ها پرداخته نشده است. از سوی دیگر، متون پژوهشی در مورد وضعیت زنان در ایام کرونا و قرنطینه خانگی در ایران عموماً با استفاده از مطالعات موردی یا شواهد حکایتی به‌دست‌آمده از برخی پژوهشگران علاقه‌مند نگاشته شده‌اند، اما نمی‌توان مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش را شناسایی کرد. همچنین تاکنون مطالعات اندکی به بررسی این مسئله در بحران کرونا، از طریق تجربه زیسته زنان عضو هیئت‌علمی پرداخته‌اند؛ بنابراین این استدلال تقویت می‌شود که پژوهش‌های تجربی بیشتری به‌منظور درک بهتر از وضعیت زنان عضو هیئت‌علمی در مراکز دانشگاهی و پژوهشی در ایام کرونا و قرنطینه خانگی و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه مورد نیاز است.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به روایت انتخاب و راهبردهای زنان در توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی برای مهار کرونا در خانه و خارج از خانه پرداخته شد. در واقع شاید این تحقیق، فرصتی هم برای بازنمایی نگاه اجتماعی به توانایی زنان به‌ویژه زنان دانشگاهی و کم‌رنگ‌شدن شکاف‌ها و تفاوت‌های مفروض و حرکت به سمت نگاهی به نقش‌آفرینی مؤثر آن‌ها بوده باشد. هدف و ضرورت این بحث، پرداختن به روایتی از فعالیت‌های زنان دانشگاهی بود که در راستای مشارکت مضاعف در مهار بحران کرونا، همراه خانواده و جامعه، روزهای متفاوتی را سپری می‌کنند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر دوره انزوا بر زندگی روزمره زنان دانشگاهی انجام گرفت و تأثیرات قوت‌ها و ضعف‌های ادراک‌شده توسط زنان از این دوره بررسی شد.

با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه، برقراری توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در ایام کرونا فرایندی خلاقانه بوده است؛ به‌طوری‌که در این فرایند، همکاری اعضای خانواده با فرد شاغل، تعادل میان کار و خانواده (آشتی‌دادن کار و زندگی خانوادگی)، مدیریت زمان (انعطاف در ایجاد شرایط محیطی و زمان برنامه کار و توازن برنامه‌ریزی و مدیریت در ایجاد فضای آرام بین کار و خانواده)، تبدیل بحران (تنش کار و خانواده) به فرصت بیشتر باهم‌بودن در خانواده، احیای خانه و توسعه عملکردهای آن، درک متقابل از مشکلات یکدیگر و تقسیم‌کار جدید در خانه ظهور پیدا کرده است. می‌توان این نتایج را با «نظریه زن و مرد یکسانی» ساروخانی در ساختار خانواده‌ها در ایام کرونا نزدیک دانست؛ به‌طوری‌که در این ایام، به حداکثر اشتراک و حداقل تفاوت بین زن و مرد اهمیت داده می‌شود. این امر می‌تواند گامی در جهت توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی زنان مشارکت‌کننده باشد. همچنین مطابق «نظریه ترکیبی-اعتدالی» بارنت، زنان در ایام کرونا، هم‌زمان و

در یک فضا نقش‌های شغلی و خانوادگی خود را ایفا کردند، اما به عناصر این اعتدال نیز توجه ویژه شد. به منظور مدیریت تعدد و پراکندگی وظایف مسئولیت‌ها، استفاده از فناوری‌های جدید، تسهیم و تقسیم کار خانه با همسر و فرزندان سبب کاهش فشارهای ناشی از انجام این امور شد. نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه عبارت‌اند از: «حضور اعضای خانواده در کنار هم در این ایام، موجب افزایش همدلی و رفتار مهربانانه شد و انرژی روانی خوبی را دریافت می‌کردیم. تجربه شخصی من تقسیم کار میان اعضای خانواده، کمک به یکدیگر، نزدیک شدن به دیدگاه‌های یکدیگر و آشنایی بیشتر با فعالیت‌های یکدیگر بود» و «از آنجا که کلاس‌های دانشگاهی من مجازی و در حضور خانواده برگزار می‌شد، نحوه تعامل من با دانشجویانم و اداره کلاس را فرزندانم می‌دیدند و با نحوه کار من آشنا می‌شدند. شاید سابق بر این، این امکان برای فرزندانم وجود نداشت. متقابلاً من هم با واحدهای درسی و کلاس‌های فرزندانم آشنا می‌شدم. احساس می‌کنم یک نزدیکی، تعامل و تفاهم بیشتری بین من و اعضای خانواده‌ام به وجود آمد.»

نکته دیگر ایجاد اخلاق مراقبتی زنانه، نقش مادرانگی و احساس مسئولیت (در قبال همسر، فرزندان، دانشجویان و افراد جامعه) است که مطابق با دیدگاه آلن تورن در خصوص نظریه پارادایم فرهنگی است. بدین معنا که زنان عضو هیئت علمی در این بحران نشان دادند به جای آنکه مصرف‌کننده صرف و دارای کنشگری منفعلانه باشند، با تعامل فعالانه و خلاقانه، به عنوان پارادایمی فرهنگی، به ایفای نقش در خانواده، جامعه، محیط آموزشی و پژوهشی خود پرداختند و نقشی مسئولانه‌تر، انسانی‌تر و مهربانانه‌تر در قبال جامعه داشتند. به بیان یکی از مصاحبه‌شوندگان «من نمی‌توانم صد درصد وجودم را وقف کار کنم؛ چون بخشی از وجودم، چشمم به فرزندم سر کلاس مجازی است. فرزند دیگرم آزمون آنلاین دارد، تدارک غذای آن‌ها، پاسخگویی به تماس‌های مکرر فامیل، دوستان و همکاران، آمدن پیک و آوردن وسیله و اجناس سفارش داده شده و... گاهی احساس می‌کنم باید چند تا از خودم در منزل داشته باشم که بخشی از من سر ساعتی برود سرکار در گوشی یا سیستم کامپیوترم و بخش دیگر وجودم، حواسش به امور منزل باشد.»

با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، زمینه‌ها و وضعیت‌های متفاوتی را تجربه کردند. از جمله این زمینه‌های اثرگذار عبارت‌اند از: محروم از هرگونه گردهمایی (اعم از خانوادگی، محله‌ای، شهری، ملی و منطقه‌ای)، ایجاد موقعیت تعلیق (در زندگی روزمره، در انجام مناسک و آیین‌ها و اجرای هنجارها و ارزش‌های فرهنگی)، تأمل درباره شیوه تازه‌ای از زندگی در بحران (ایجاد شیوه جدید در راهبردها، عادت‌واره‌ها، الگوها، هنجارها، باورها و ایجاد دانش جدیدی در ذهنیت، زبان، نظام معنایی فرد)، توجه به حس مشترک ملی و جهانی، نبود

انفصال همه‌جانبه از یکدیگر (درقرنطینه‌بودن از لحاظ جسمانی، ارتباط با دیگران از طریق فضای مجازی (گفت‌وگوی وسیع با همه شهروندان جهان) و تلفن و موبایل (گفت‌وگوی وسیع با اطرافیان، دوستان، همشهریان و شهروندان و جهان رسانه‌ای)، خلوت‌گزینی (کمتر پرداختن به خرید، تأمل کردن در مورد نیاز وجودی خود و بازاندیشی در مورد وجود خویش)، دستیابی به فرصتی عرفانی (معرفت تازه در مورد خود، دیگران و جهان) و وقت آزاد و اوقات فراغت زیاد. طبق نظریه «خانه‌نشینی ناگزیر» فاضلی، کرونا و قرنطینه‌خانگی موجب خانگی‌شدن تعاملات خانوادگی در ایام کرونا در جهت احیا و توسعه عملکردهای خانه (و وقت‌گذرانی اعضای خانواده در درون خانه و فرصت گفت‌وگوهای نو برای حل تعارض‌های طبیعی و غیرمترقبه) شد. نگاهی جدید و بازاندیشانه به خانه و تمام متعلقات آن در ایام کرونا اهمیت دارد؛ چرا که خانه، هم محلی برای زندگی، هم فضایی برای انجام وظایف شغلی و هم فرصتی برای ایجاد شکل تازه‌ای از ارتباط با خانواده است. به بیان مصاحبه‌شوندگان «یک جنبه مثبت این ایام این بود که مجبور شدیم در خانه بمانیم. شاید زن شاغلی که هر روز صبح به واسطه شغلش به سرکار می‌رود و بعد از ظهر بازمی‌گشته و با عجله شروع به آشپزی می‌کرده، فرصتی برای حضور با فراغ بال در خانه را نداشته. کرونا به ما این فرصت را داد که وقت بیشتری برای خانه‌هایمان صرف کنیم. همین خانگی‌شدن، تأثیر مثبتی بر فضای منزل گذاشت» و «کرونا فرصتی برای انجام کارهای عقب‌افتاده‌ام، کسب تجربه‌های جدید از طریق شرکت در کارگاه‌های آموزشی، مطالعه بیشتر، جست‌وجو و فیش‌برداری، رسیدن ایده‌های جدید پژوهشی به ذهنم و نگارش مقاله‌های علمی شد؛ به طوری که حتی در یکی از همایش‌های ملی، رتبه برتر را کسب کردم.»

یکی دیگر از زمینه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا، ظهور مسئله فرهنگی جدید است. مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که در ایام کرونا، جامعه با مسائل فرهنگی جدیدی نظیر خودآگاهی جمعی، ضربه فرهنگی (شوک فرهنگی)، رویداد تروماتیک شده و ترومای فرهنگی جمعی مواجه شده است: «من برای انجام فعالیت‌های پژوهشی‌ام نیازمند یک انضباط فکری، تمرکز و فراغ بال هستم. متأسفانه با وجود استرس‌ها و نگرانی از سلامت خانواده و وجود تناقض و افزایش نقش‌ها، انجام امور علمی و پژوهشی برایم فوق‌العاده دشوار است.»

خودآگاهی جمعی به معنای تجربه‌های تمامی افراد و تجربه‌های فرافردی (خارج از حیطه شخصی) از التهاب‌های اجتماعی است. در این وضعیت، افراد احساس می‌کنند در معرض اتفاق هولناکی قرار دارند و ممکن است پیامدهای ویرانگر جبران‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیری بر پیکره کلی

جامعه به جای بگذارد. جفری الکساندر (۲۰۰۴) نیز استدلال می‌کند اگر التهاب‌های اجتماعی ادامه‌دار شوند و برای مدت طولانی در جامعه بمانند، دیگر نمی‌توان آن‌ها را التهاب دانست؛ زیرا ماهیت گذرایی‌شان را از دست می‌دهند و تأثیری ماندگار بر ذهنیت جمعی و آگاهی جامعه می‌گذارند. در نتیجه احساس جمعی این اتفاق هولناک، نه تنها موقعیت امروز، بلکه آینده نزدیک و دور جامعه را به خطر می‌اندازد و ممکن است هویت و هستی آن‌ها برای همیشه نابود شود که الکساندر آن را «ترومای فرهنگی» می‌نامد (Alexander, 2004: 12).

همچنین نتایج نشان داد دورکاری یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا بوده است. دورکاری در ایام کرونا به معنای ایجاد مثلث ارتباط کاری (خانه، اینترنت و فناوری‌های ارتباطی و سازمان/فضای کاری)، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی بوده است. در ایام کرونا، مثلث ارتباط کاری از نگاه زنان اعضای هیئت علمی ایجاد شد. منظور، انجام کارها و وظایف شغلی و خانوادگی و مادرانگی ویژه بوده است. به بیان چند نفر از مصاحبه‌شوندگان: «بزرگ‌ترین چالش این ایام برایم در هم آمیختگی تایم کاری و تایم رسیدگی به امور منزل بود. مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دارم را کم‌کم دارم از دست می‌دهم و آن را محو می‌بینم. حضورم در منزل باعث شد در قالب یک جسم، ولی با چندین ذهنیت مشغول به کار باشم»، «ما نمی‌توانیم مثل آقایان در ایام دورکاری به داخل اتاقمان برویم، در را ببندیم، کارهایمان را به ثمر برسانیم و با دنیای بیرون کاری نداشته باشیم. نمی‌توانیم آن چند ساعت را با تمرکز کافی کار کنیم. من در ایام دورکاری تدریس آنلاین دارم، جلسه دفاع دانشجوی به صورت آنلاین دارم، جلسه‌های گروه را شرکت می‌کنم، به امور تحصیلی فرزندان می‌پردازم و...»، «اوقات فراغت کاذب جایگزین اوقات فراغت واقعی (تفریحاتی مثل رستوران رفتن، سفر، رفتن به گردشگاه‌ها و...) شده است. من تمام مدت و بی‌وقفه کار می‌کنم و این مسئله در بلندمدت مرا به لحاظ جسمی و روحی دچار افسردگی خواهد کرد»، «ما مادران شاغل در این ایام ترجیح می‌دهیم زمانی مشغول به کار شویم که فرزندانمان در خواب هستند و این مسئله به مرور باعث می‌شود خواب مادران شاغل کم شود؛ چون داریم از زمان استراحت سایر اعضای خانواده برای کار کردن استفاده می‌کنیم و زمانی هم که آن‌ها بیدار هستند، عملاً فرصتی برای استراحت ما وجود ندارد. برای من مسئله زمان و سبک زندگی، به خصوص موضوع کار و خواب بسیار مهم است که کاملاً دستخوش تغییر شده است».

با توجه به نتایج مستخرج از این پژوهش می‌توان دریافت کرونا موقعیتی استثنایی و وضعیتی اضطراری بر جامعه ما به‌ویژه زنان تحمیل کرد. در موقعیت‌های استثنایی، انسان‌های خلاق می‌توانند ارزش‌ها، باورها و ایده‌های بزرگ و استثنایی را خلق کنند. نتایج نشان داد کرونا فرصتی برای متفاوت‌تر شدن، متفاوت‌زیستن و متفاوت‌بودن فراهم ساخت. اگرچه محدودیت‌های متفاوتی تجربه شد، این امر نتوانست چشم‌ها، اندیشه‌ها، ذهن و زبان افراد را ببندد. زنان جامعه مورد پژوهش نیز با تفسیر و تأمل در این تجربه توانستند میدان تازه‌ای برای خلق ایده‌ها یا برای گفت‌وگو کردن درباره فرهنگ، تاریخ، دین و تمام مواردی ایجاد کنند که هستی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ما را ساخته است.

۷. پیشنهادها

به‌منظور تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی، پیشنهاد می‌شود ابتدا سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در حوزه دورکاری زنان عضو هیئت‌علمی (آموزشی و پژوهشی) مورد توجه قرار گیرد. در مرحله دوم، بودجه‌ای برای فعال‌سازی ظرفیت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در جهت دورکاری اعضای هیئت‌علمی اختصاص داده شود. در مرحله سوم، شرایط دورکاری برای اعضای هیئت‌علمی مساعد و فرهنگ‌سازی شود و در مرحله چهارم، توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی متخصص برای انجام دورکاری صورت گیرد.

از آنجا که زنان عضو هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در انجام وظایف خود در شرایط دورکاری با کاهش سرعت اینترنت و پشتیبانی نامناسب برای فضای مجازی مواجه بودند، پیشنهاد می‌شود برای اجرای طرح دورکاری، فناوری مناسبی به‌کار گرفته شود. به عبارتی، سازمان‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی باید بتوانند با توجه به وظایف و عملکرد سازمان، از فناوری‌های مناسب ارتباطی و اطلاعاتی استفاده کنند. همچنین زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری‌های اطلاعاتی برای افزایش کارایی اعضای هیئت‌علمی دورکار ایجاد و تقویت شود. به‌علاوه، امنیت کاربران فضای مجازی با همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و پلیس فتا تأمین شود.

در حوزه مدیریتی، تعیین اصول مدیریت دورکار و معرفی درست این اصول به کارکنان حائز اهمیت است. تنظیم روابط و پیکره‌بندی گروه دورکار باید در نظر گرفته شود. به عبارتی باید به موارد زیر توجه صورت گیرد: هماهنگی در تعیین جایگاه نیروی کار، تنظیم روابط و پیکره‌بندی گروه دورکار، برقراری روابط مناسب بین نیروی کار و سازمان، تعیین شیفت‌ها و زمان‌های اتمام کار یا استراحت، تعیین چگونگی برقراری ارتباط مناسب مدیر با کارکنان، تعیین چگونگی برقراری یک همکاری

کارآمد برای گروه، توجه به آموزش کارکنان، ایجاد مدیریت بازدهی و کارایی در گروه، تعیین روش‌های جبران خسارت و رفع چالش‌های جذب نیروی انسانی.

در حوزه خانواده، زنان به‌عنوان متخصص و پژوهشگر می‌توانند با تولید محتوا در مورد ارائه و انتخاب شیوه‌های زندگی متناسب با شرایط بحرانی، گامی در جهت مراقبت از خانواده و جامعه بردارند. به‌علاوه، با تولید محتوا و ترویج آن می‌توانند در تعریف سبک زندگی جدید برای بحران‌ها نقش داشته باشند.

به‌منظور تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی، پیشنهاد می‌شود بر نظام نقش‌ها تأکید شود؛ زیرا این امر موجب شکل‌گیری روابط صحیح بین انسان‌ها و ایفای نقش مراقبتی بر مبنای یاریگری میان انسان‌ها خواهد شد. همچنین این امر می‌تواند بیانگر الگوی بنیادین رابطه و یاریگری برای جامعه در بحران و در خطر باشد.

تعارض منافع

در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Alwani, S. M., & Boudelai, H. (2009). Phenomenology in Entrepreneurship Studies. *Iranian Management Sciences*, 19, 33-62. <https://doi.20.1001.1.25383205.1400.15.4.1.2> (In Persian)
- Azizi, F. (2014). *The lived experience of women's management in a patriarchal society*. Iran newspaper, number 495, December issue. <https://doi.10.22034/ipsa.2021.443> (In Persian)
- Bachelard, G. (2017). *The poetics of space*. Translated by: M. Kamali & M. Shirbacheh. Tehran: Roshangaran Publications. (In Persian)
- Beck, E. (2017). *Society in global danger*. Translated by: M. R. Mehdizadeh. Tehran: Nash Kavir. (In Persian)
- Becker, B. E., Huselid, M. A., & Ulrich, D. (2001). *The HR Scorecard: Linking people, Strategy and Performance*. Boston, M.A: Harvard Business School Press.
- Bellman, J. (2009). *The city of the past, the city of the future*. Translated by: M. Karbasi. Tehran: Cultural Research Office. (In Persian)
- Budlai, H. (2015). *Phenomenological research method*. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)

- Creswell, J. W. & Miller, D.L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39(3), 124-130. https://doi.org/10.1207/s15430421tip3903_2
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Dam, L., & Daphtardar, S. (2012). Work-life balance by women faculty members: the conundrum within. *KIIT Journal of Management*, 8.
- Darabi, A. (2008). Phenomenological approach in the analysis of political phenomena. *Political studies. Journal of Political studies*, 2(5), 61-82. (In Persian)
- Ebrahimi, E. (2021). Understanding the lived experience of work-life relationships in female academic managers: a descriptive phenomenological approach. *Journal of Research in Human Resources Management*, 13(2), 9-36. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.82548002.1400.13.2.1.7> (In Persian)
- Ershad, M. R. (2010). *Philosophical thoughts in the second millennium: An interview with Mohammad Zamiran*. Tehran: Hermes Publications. (In Persian)
- Fazeli, N. (2019). *Culture and disaster; Anthropological essays about collective calamities in Iran*. Tehran: Farhameh Publications. (In Persian)
- Gheysarieh Najafabadi, F., Elahi Doust, S., & Rabbani Khorasgani, A. (2012). A phenomenological study about the lived experience of female managers in Isfahan. *Applied Sociology Quarterly*, 24(4), 19-42. (In Persian)
- Gilan, O. (2015). Lived experiences of female managers in Golestan province. Strategic Council of Educated Women of Golestan. *Women's Health Provincial Conference*. Specialized publisher of Iranian conferences: Marja Danesh. (In Persian)
- Mirzaei, H. (2019). *Essays on the cultural and social aspects of the coronavirus crisis in Iran*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies and Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian)
- Hartley, M., Popay, J., & Plewis, I. (1992). Domestic conditions, paid employment and women's experience of ill-health. *Sociology of Health & Illness*, 14(3), 313-343. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-9566.1992.tb00126.x>
- Hycner, R. (1985). Some Guidelines for the Phenomenological Analysis of Interview Data. *Human Studies*, 8, 279-303. <http://dx.doi.org/10.1007/BF00142995>
- Jahangiriyan, B. (2018). *Remote Work Management: How to maintain and improve efficiency when working remotely from home*. Blog: <https://drjahangirian.com>. (In Persian)

- Johnston, D. D., & VanderStoep, S. W. (2009). *Research methods for everyday life: Blending qualitative and quantitative approaches*. Jossey-Bass.
- Lester, S. (1999). *An Introduction to Phenomenological Research*. Retrieved September 13, 2010 from <http://www.sld.demon.co.uk/resmethy.pdf>.
- Mahdizadeh, A., Abdavi, F., & Afshari, M. (2018). Glass ceiling theory in the field of women's sports; Comparative comparison and presentation of a quantitative model. *Journal of Human Resource Management in Sports*, 7(1), 45-59. <https://doi.org/10.22044/shm.2020.7995.1905> (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2012). *Qualitative research method against method (logic and design in qualitative methodology)* (1st ed.). Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Moustakas, C. E. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- News Agency of the Islamic Republic of Iran, <https://www.irna.ir/news/84623207>. (In Persian)
- Parvizi, S., Salsali, M., & Haj Bagheri, M. (2006). *Qualitative research methods*. Tehran: Bushra Publications. (In Persian)
- Rahmani, J. (2019). Essays on the cultural and social aspects of the coronavirus crisis in Iran. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian)
- Rostgarkhald, A. (2013). *Family, work and gender*. Tehran: Public Relations Publications of the Women's Cultural and Social Council. (In Persian)
- Sarukhani, B. (2016). *Family sociology*. Tehran: Soroush Publications. (In Persian)
- Shaditalab, J., & Ebrahimpour, S. (2016). *Narrative of women's experiences in promotion to professorship at universities of Iran*. *Social Welfare Quarterly*, 17(66), 53-105. (In Persian)
- Titus, S. (2011). Female sport administrators' experiences of organizational fit in the workplace, *African Journal for Physical, Health Education, Recreation and Dance*, 17, pp. 123-133.
- Toffoletti, K., & Starr, K. (2016). Women academics and work-life balance: Gendered discourses of work and care. *Gender, Work & Organization*, 23(5), 489-504. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/gwao.12133>
- Touraine, A. (2017). *New paradigm*. Translated by: S. Sadeghzadeh. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Weber, M. (2008). *Basic concepts of sociology*. Translated by: A. Tsederani. Tehran: Center Publications. (In Persian)